■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

# جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۴۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

سه‌شنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۸ | ۲۸ شوال ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۲۰ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - 2019 July 2

**حدیث روز:** تحف‌العقول

امام حسین(ع):
بخیل، کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.

**پلک احساس:** سنایی

هرچه داری چو دل بباید باخت
عاشقی را دلی کفایت نیست

**امروز در تاریخ:**

- شهادت آیت‌ا... محمد صدوقی، چهارمین شهید محراب (۱۳۶۱ ش)
- درگذشت حجت‌الاسلام محمدعلی صدوقی، امام جمعه یزد (۱۳۹۰ش)
- درگذشت عطاءا... به‌همنش، گزارشگر و مفسر باسابقه ورزشی ایران (۱۳۹۶ ش)
- تولد سنایی غزنوی، عارف و شاعر بزرگ ایرانی (۴۷۳ ق)
- درگذشت آنتوان چخوف، داستان‌سرا و نویسنده شهیر روسی (۱۹۰۴م)

**اوقات شرعی:**

اذان ظهر: ۱۳/۰۸ | غروب آفتاب: ۲۰/۲۴
اذان مغرب: ۲۰/۴۵ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۶
اذان صبح (فردا): ۴/۰۷ | طلوع خورشید(فردا): ۵/۵۳

**پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه**

| تهران | اهواز | تبریز | رشت | زاهدان | زنجان | قزوین | کرمان |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۳۶ / ۲۶ | ۴۹ / ۲۹ | ۳۲ / ۱۷ | ۲۶ / ۲۱ | ۳۶ / ۲۰ | ۳۲ / ۱۲ | ۳۵ / ۲۰ | ۳۷ / ۲۲ |

**حکمت ۳۳:** نهج‌البلاغه

بخشنده باش، اما زیاده‌روی نکن. در زندگی حسابگر باش، اما سختگیر مباش.

---

خودنویس

## کفش‌هایت را دربیاور...

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

«این چه کاری بود آخر امیر؟ نگفتید سربازهایتان می‌بینند آبرویتان می‌رود؟ نگفتید فردا سربازهای دژبان برایتان دیگر تره هم خرد نمی‌کنند! الهی دورتان بگردم، خب مشتی! ۴۰ سال گذشته چندتا تکه پارچه و استخوان و یك نصفه پلاك که این همه بی‌تابی ندارد. یك تشییع جنازه بود که گرفتید و خوب هم گرفتید و در این گرما همت کردید تشریف بردید. مگر نه این‌که ارتش در نظم حرف اول را می‌زند؟ مگر نه این‌که دژبان ارتش مجری نظم ارتش است؟ نمی‌گویید چند سرباز که بند پوتینشان شل بوده و واکس نداشته و جمپرشان اتو نداشته و نیروهای دژبان ارتش در سطح شهر بهشان گیر داده‌اند، این عکس‌های شما را ببینند و بگویند زکی! فرمانده دژبان ارتش مملکت را باش! نترسیدید امیر؟ سخت نبود؟ سخت نبود زیرپا گذاشتن همه چارچوب‌های کاری و سبك زندگی‌تان؟ شما که برق پوتین و کفش‌هایتان از برق الماس بیشتر است و اصرار و وسواستان برای درآمدن خط اتوی شلوار و پیراهن‌تان همه اتوشویی‌های محلتان را ذله کرده و گردن خروس را لابر می‌کند. سخت نبود امیر؟» این حرف‌ها را یك ور سرم می‌گوید.

«رفیق‌هایش آمده‌اند، بعد ۳۰ سال، تا از دفترش برسد به مراسم خدا می‌داند چند خاطره در سرش وول خورده، خاطره نان و هندوانه خوردن، خاطره توی قوطی کنسرو و شیشه مربا چایی خوردن، خاطره گره زدن پوتین‌های خاکی یك گردان و لنگه به لنگه شدن پوتین‌ها و جوراب‌ها و زیر پیراهنی‌ها، خاطره پیچاندن سربند «یا زهرا» از هم گردانی‌ات و شب عملیات حلالیت خواستن بابت این کارا! جگر به آدم می‌ماند؟ کوه را بخار می‌کند! حالا آمده است نشسته بالای سر چندتا تکه استخوان و لباس و پلاك، از خود بی خود شده، توی سرش هزار روضه علی اکبر و عباس خوانده و هزار بار دق کرده، روزهایی که خون و جنون همه قافیه بودند و هشت سال عاقل‌ترین دیوانه‌های تاریخ دور هم جمع شده بودند و کاری کردند کارستان. من می‌گویم امیر آن روز همه قوانین همه چارچوب‌ها همه التزام‌هایش را در دفترش گذاشته در یکی از کشوهای میزش و آمدنی قرآن که واکرده آمده است: کفش‌هایت را دربیاور تو در سرزمین مقدس طوی هستی...»
این حرف‌ها را یك ور دیگر سرم می‌گوید.
دمتان گرم امیر، دمتان گرم که دلمان را گرم کردید. ما خیلی وقت است لباس خاکی شده از خیلی از رجال قبیله ندیده‌ایم... خوشا امیر لشکر این وطن که شمایید.
سخن آخر...
ناصرالدین شاه یك سال عاشورا رفت کربلا، عصر عاشورا در حرم مقدس سیدالشهدا روضه خوان روضه از اسب افتادن ارباب را می‌خواند. شاه که می‌شنود غش می‌کند و از صندلی‌ای که برآن نشسته بوده بر زمین می‌افتد. وزیر اعظم می‌گوید: قبله عالم چه کاری بود؟ این همه عالم و آیت‌ا... و مداح در مجلس بود و روضه شنیدند و هیچشان نشد شما چرا؟ سبیل همایونی از قرینه افتاد و جبه همایونی چروك افتاد، کاش نمی‌کردید، شاه می‌گوید: آنها عام بودند و من شاه، من می‌فهمم شاه از اسب بیفتد یعنی چه...

---

کافه میرداماد

### گفت‌وگو با رضا ساکی، مجری رادیو و طنزپرداز درباره حد و اندازه جوک و لطیفه

# پشت لطیفه‌های قومیتی یک دسیسه است

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

«یک چیزی تعریف کنم، بخندید»، این جمله را همه ما شنیده‌ایم. برخی اوقات از جوک، خاطره بامزه یا لطیفه‌ای که شنیده‌ایم، خندیده‌ایم، گاهی لبخند زده‌ایم و گاهی هم با صدای بلند یا ته دلمان گفته‌ایم؛ چه بی‌مزه! اما واقعیت این است که همه ما دوست داریم، چیزی بشنویم که حالمان را خوب کند و بخنداندمان. این میل غریزی آن‌قدر مهم و فراگیر است که پریروز (۳۰ ژوئن) را به نام روز جوک و لطیفه نامگذاری کرده‌اند و شعاری که برای این روز در نظر گرفته‌اند این است که یک جوک برای دوستانت تعریف کن تا شاد شوند.

خنداندن دیگران، هنر است، این که توانایی داشته باشی، دوست یا جمعی از آشنایان را از درگیری‌های ذهنی که آنها را نگران یا غمگین کرده حتی اگر شده برای لحظاتی دور کرده، آنها را در موقعیت شادی قرار بدهی، تا لبخندی بزنند، اسمش توانمندی است. شاید همین چند لحظه فاصله‌گذاری ذهنی به آنها این امکان را بدهد تا درست‌تر و معقول‌تر تصمیم بگیرند.

خیلی از طنزپردازان می‌گویند خنداندن ایرانی‌ها سخت است چون بیشترشان، طبع طنز دارند و در این حوزه مدعی‌اند. طنز ما بیشتر شفاهی است، جوک‌های گفتاری بیشتر از جوک‌ها و طنزهای مکتوب ما را می‌خنداند. شاید به همین دلیل است که کارهای نمایشی طنزمان بیشتر دیالوگ‌محور است. در طنز گفتاری البته نوع روایت و زبان بدن تاثیر زیادی در خنداندن دیگران دارد.

**زبانی برای بیان شرایط سخت**

با رضا ساکی، نویسنده، تهیه‌کننده و مجری رادیو که در حوزه هنری کلاس طنز هم دارد هم صحبت شدم تا درباره جوک و لطیفه و مرزهایی که باید رعایت کرد، بیشتر برایمان بگوید.

از ساکی می‌پرسم چرا جوک و لطیفه آن‌قدر اهمیت دارد که در جهان روزی را به نامش ثبت کرده‌اند؟ می‌گوید: ذهن بشر جوری طراحی شده که وقتی در اتفاقی غیرمنتظره گیر می‌افتد، یا مشکلاتش بیشتر از تصور و انتظارش می‌شود، نیاز دارد از آن موقعیت فاصله بگیرد تا بهتر بتواند آن مسأله را حل کند. شوخی کردن با برخی از مسائل، حل آنها را آسان‌تر می‌کند. آدم‌ها معمولا شوخی را دوست دارند به همین دلیل کارکرد آن را یاد گرفتند. مثلا در این روزها که قطعات خودرو بسیار گران است اگر به یکباره اتفاقی برای اتومبیل شما رخ دهد و کنار بزرگراه بمانید، کسی از شما بپرسد چی شده؟ با یک جمله که شبیه شوخی و جوک است، جوابش را می‌دهید، مثلا می‌گوید: هیچی دو میلیون توی حلقش گیر کرده! این فاصله‌گذاری باعث می‌شود که فرد بیشتر بتواند دوام بیاورد و حل مسأله برایش راحت‌تر شود. جوک و شوخی ترفندی است برای حرف زدن درباره اتفاقاتی که ما را غافلگیر می‌کند.

**شوخی با اتفاقات فراگیر**

به ساکی می‌گویم، پس شوخی همان تعریف قدیمی را شامل می‌شود، سوپاپی برای رهایی از تنگناهای ذهنی؟

این نویسنده می‌گوید: سوپاپ را بیشتر درباره طنزهای سیاسی به کار می‌برند. از قدیم می‌گویند طنزنویس‌ها سوپاپ اجتماعی هستند که با گفتن حرف‌های مردم به زبان طنز، بار ذهنی آنها را تخلیه می‌کنند. کارکرد طنز از زمان یونان باستان تا به امروز همین بوده و هست.

ساکی می‌گوید: جوک‌ها در گروه فکاهه قرار می‌گیرند. فکاهه‌ها زمانی شکل می‌گیرند که گروهی حرف یا مشکل مشترکی داشته باشند، فکاهه‌ها بیشتر درباره مشکلات اجتماعی است که فراگیری زیادی دارد مثل ترافیک جاده چالوس! جوک‌ها معمولا کوتاه هستند چون زیاد دهان به دهان می‌چرخند و هرکسی بنا به توانایی و ذوقش آنها را کامل و خنده‌دار می‌کند. اینجور نیست که جوک از همان اول با مزه و خنده‌دار باشد. جوک‌ها معمولا زود فهمیده می‌شوند و لازم نیست زیاد درباره آنها فکر کنی. بیشتر جوک‌ها درباره خصلت‌های بد انسانی مثل دروغ‌گویی است. برای همین است که جوک را می‌توان در هر موقعیت مکانی و زمانی تعریف کرد. گاهی یک خبر یا گزاره که فراگیری زیادی دارد، خیلی زود به جوک و شوخی تبدیل می‌شود.

**آدم‌های بامزه**

به ساکی می‌گویم، برخی آدم‌ها استعداد خوبی برای تعریف کردن جوک دارند، اما بعضی‌ها هم هستند بامزه‌ترین جوک‌ها را جوری تعریف می‌کنند که هیچ‌کس هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد، تعریف کردن جوک به چه چیزهایی بستگی دارد؟

می‌گوید: نوع روایت خیلی مهم است. بعضی‌ها راویان خوبی هستند، لحن گرم و با نمکی دارند برای همین حرفشان به دل دیگران می‌نشیند. زبان بدن یا ادا یا همان نمایش‌های ساده زمان روایت هم مهم است. در زمان تعریف کردن جوک باید حواست به مکث‌ها هم باشد، باید بدانی کجا مکث کنی که آنچه بازگو کرده‌ای در ذهن مخاطب بنشیند و آماده پذیرش بقیه جوک باشد. البته برخی جوک‌ها اصلا نیازی به مکث ندارند، اینها را باید گوینده جوک درک کند برای همین است که بعضی‌ها جوک‌ها را خوب تعریف می‌کنند و برخی نه! جوک‌ها وقتی به دست این آدم‌های بانمک می‌افتد صیقل خورده و پخته می‌شود.

می‌گویند جوک‌های قومیتی، مخرب‌ترین ادبیات است. سال‌های قبل این نوع جوک‌ها زیاد بودند اما الان تعداد آنها بسیار کم شده است.

ساکی درباره این جوک‌ها می‌گوید: ریشه جوک‌های قومیتی به دهه ۲۰ برمی‌گردد که حاکمیت تلاش داشت، قوم لر، گیلک و آذری را تضعیف کند به همین دلیل این نوع جوک‌ها را رواج داد. جوک، لطیفه و طنز برای نزدیک کردن آدم‌ها به یکدیگر است نه ایجاد جدایی بین آنها. در تعریف شوخی روی این موضوع تاکید شده که شوخی باید حد و اندازه‌ای داشته باشد. وقتی از طریق شوخی مثلا می‌خواهی موضوعی را به همکارت تذکر بدهی نوع بیانت باید جوری باشد که خود او هم به موضوع بخندد و این خنده نباید آن‌قدر ادامه پیدا کند که باعث تخریب او شود. وقتی فرد مورد نظر احساس کند، شخصیتش تخریب شده، تلافی خواهد کرد و در اینجاست که شوخی‌ای که قرار بوده فضا را تلطیف کرده و آدم‌ها را به هم نزدیک کند، باعث دوری آنها و ایجاد فضای خشن می‌شود. شوخی حد و اندازه‌ای دارد که باید حتما آن را حفظ کرد. باید مراقب کلماتی که استفاده می‌کنی، باشی. مرز باریکی است بین شوخی و لودگی. جوک و لطیفه نباید قبح‌شکنی کند، یعنی نباید با مسأله‌ای که خوب نیست آن‌قدر شوخی کرد که به اتفاقی عادی تبدیل شود. به نظرم یکی از مسائلی که باعث شد قبح قلیان شکسته شود، جوک‌ها و شوخی‌هایی بود که با آن کردند. الان بیشتر مردم قلیان می‌کشند و وقتی به آنها درباره خطراتش می‌گویی، یک جوک یا شوخی تحویلت می‌دهند.

ساکی معتقد است، طنز، شوخی و لطیفه و کاریکاتور باید آن‌قدر شسته رفته و خوب باشد که مثلا وقتی با یک وزیر در نشریه‌ای شوخی می‌کنی، وقتی آن وزیر آن را خواند تماس بگیرد و تشکر کند. اتفاقی که در هفته‌نامه گل آقا رخ می‌داد و بی‌نظیر بود.

---

مقطع حساس کنونی

## داستان نامعتبر آتش‌سوزی جنگل

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در یکی از نواحی گرمسیری دوردست جنگلی وجود داشت که شامل درختان سر به فلک کشیده ای بود که جانوران بسیاری اعم از کوچک و بزرگ و پرنده و چرنده و درنده در آن زندگی می‌کردند. روزی در اثر ته‌سیگار روشن‌مانده یکی از گردشگران بی‌ملاحظه، برگ‌های خشک جنگل آتش گرفتند و به‌دنبال سرایت آتش به دیگر نقاط جنگل اندک‌اندک حریقی گسترده تمام جنگل را در کام خود گرفت. حیوانات جنگل وقتی آتش گرفتن کاشانه خود را دیدند، هریک در حد توان خود تلاش کردند آتش را خاموش کنند. گورکن‌ها روی آتش خاک ریختند، فیل‌ها خرطوم‌های خود را از آب برکه پر کردند و روی آتش ریختند، درندگان اعلام کردند تا اطلاع ثانوی حیوانات دیگر را نخواهند خورد تا همه بتوانند در امنیت کامل به خاموش کردن آتش مشغول شوند، بزها برگزاری کنکور سراسری را به تعویق انداختند، خرگوش‌ها از آنجا که کار خاصی بلد نبودند این‌طرف و آن‌طرف می‌پریدند، گنجشک‌ها آتش‌سوزی جنگل را در شبکه اجتماعی توییتر ترند کردند و... در این میان طوطی را دیدند که هربار مسافت ناحیه آتش گرفته تا برکه را می‌پیمود و نوک کوچک خود را از آب پر می‌کرد و بازمی‌گشت و آب را روی آتش می‌ریخت. آتش نیز پیس صدا می‌کرد، اما خاموش نمی‌شد. میمون وقتی رفت و بازگشت طوطی را دید به او گفت: ای طوطی، نوک تو مگر چقدر جا دارد که این همه راه می‌روی و برمی‌گردی؟ طوطی گفت: من شاید نتوانم آتش را خاموش کنم، اما پس فردا روزی که وجدانم از من پرسید زمانی که جنگل در آتش می‌سوخت تو چه می‌کردی، من می‌گویم هرکار از دستم برمی‌آمد انجام دادم. پلنگ که شاهد گفت‌وگوی میمون و طوطی بود گفت: شما دو تن هنرهای زیادی دارید. می‌توانید با ادابازی و تقلید صدا به سایر حیوانات جنگل روحیه بدهید تا با توان و انرژی بیشتری به خاموش کردن آتش بپردازند. میمون و طوطی پذیرفتند و روی درخت بلندی رفتند و شروع به درآوردن ادا و صدا کردند. ادابازی و تقلید صدای میمون و طوطی موجب روحیه گرفتن حیوانات شد و آنها با سرعت و توان بیشتری به خاموش کردن آتش پرداختند. اما از آنجا که دامنه آتش از هرسو گسترده شده بود، نتوانستند کاری از پیش ببرند و در پایان روز، جنگل و حیوانات همه با هم آتش گرفتند و سوختند و جزغاله شدند و به همین علت هنوز مشخص نیست راوی این داستان چه‌کسی بوده است و از همین‌رو تاریخ‌دانان و جانورشناسان، صحت و اصالت این داستان را به‌کل زیر سؤال برده و تماماً منکر شده‌اند.

---

## چرت زدن شیرها

گرمای هوا باعث شده تا شیرها نیز برای خنك‌شدن به بالای درختان پارك حیات وحش اوگاندا بروند.

به گزارش فرادید، وینس برتون ۴۶ ساله که به پارك ملی ملکه الیزابت در اوگاندا رفته، عکس‌هایی جالب از خوابیدن شیرها روی شاخه‌های درختان این پارك گرفته است. وی می‌گوید: شیرها برخلاف پلنگ‌ها توانایی زیادی در بالا رفتن از درختان ندارند اما حالا برای خنك‌شدن خود را روی شاخه‌های درخت‌ها رسانده‌اند. با این‌که هیچ نسیمی نمی‌وزد اما سایه برگ‌ها این شیرها را از گرما در امان نگه می‌دارد.

---

### پیچک تشیع

علی رئوف

بعضی قاب‌ها هیچ وقت کهنه نمی‌شوند، مثل همین عکس که سال‌ها پیش منتشر شد و امروز دوباره فضای مجازی را تکان داد... الغرض! محبت مثل پیچک است. می‌پیچد و بالا می‌رود و تسخیر می‌کند. شیعه مذهب محبت است. مثل پیچک از خانه‌ای به خانه‌ی دیگر و از کشوری به کشور دیگر دامنش را پهن می‌کند. شیخ ابراهیم زکزاکی که به قم آمد تا با تفکرات شیعه آشنا شود کسی در کشورش اسم این مذهب را هم نشنیده بود. اما وقتی با امام خمینی دست داد، پیچک دور دستش پیچید و تا نیجریه کشیده شد و امروز دیوار چند میلیون خانه در نیجریه پر از پیچک تشیع است. طلبه‌ای که هزاران کیلومتر از خانه‌اش سفر کرده که درس دین بخواند، سوغاتی که با خودش به کشورش می‌برد فقط بار کتاب و علم نیست. پیچکی است که از دست مرجع تقلیدش دور بازوانش پیچیده است.

برش سرد

---

## آغاز سال نو در یاقوتستان

مراسم جشن سال نو یاقوت‌ها در جمهوری یاقوتستان یکی از جمهوری‌های روسیه برگزار شد.

به گزارش فرارو، یاقوت‌ها یا یاکوت‌ها گروهی از مردم ترك در منطقه یاقوتستان هستند. قوم یاقوت نیز بیشتر در ناحیه یاقوتستان در فدراسیون روسیه و همچنین ناحیه آمور، ماگادان، ساخالین و نواحی خودمختار ایونکی و تایمور زندگی می‌کنند.

یاقوت‌ها از نظر اقتصادی و جغرافیایی به دوگروه عمده تقسیم می‌شوند؛ یاقوت‌های شمالی به طور سنتی ماهیگیر و شکارچی هستند، در حالی که، یاقوت‌های جنوب به کشاورزی و نگهداری اسب و گاو می‌پردازند.

جمهوری یاقوتستان در ناحیه فدرال خاور دور قرار گرفته است.

پایتخت آن شهر یاکوتسك و جمعیت آن ۹۵۸ هزار و ۵۲۸ نفر است. یاقوتستان یکی از ده جمهوری ترك‌نشین خودمختار در فدراسیون روسیه است.

---

## تگرگ تابستانی

شهر گوادالاخارای مکزیك شاهد بارش یك تگرگ عظیم بود.

به گزارش عصرایران، در پی بارش تگرگ عظیم در شهر گوادالاخارای مکزیك، ارتفاع یخ در این شهر به بیش از ۱/۵ متر رسید. این گونه بارش‌ها که به نظر می‌رسد بی‌ارتباط با تغییرات اقلیمی کره زمین نباشد، در سال‌های اخیر در گوشه و کنار دنیا افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. مردم این شهر مکزیك که از این بارش به هیجان آمده بودند، پس از قطع بارش روی تل یخ انباشته شده در کوچه و خیابان به شادمانی پرداختند.

نیروهای امدادی هم بلافاصله پس از قطع بارش وارد عمل شدند تا معابر را از وجود یخ پاکسازی کنند.